

اعلامیه، کمیته، مرکزی حزب توده، ایران

سپیده

پیر نقرآز شمسی

عجوزه‌ای
فرمانروای شهر
خنده اش دام،
گریه اش بند،
دلش شب،
و در سر عنکبوتی دارد
که می مکد
رگ پرواز را
یک دست دروغ
و دست دیگر تیغ
استاد لوزان
در باد روزه تاریخ
و سپیده
بر فراز شهر
چشم می کشاید.

از میهن در بند

بیش از دو میلیون کُرد در حال فرار از دست جلادان دیکتاتور عراق هستند. آنچه در کوههای مجاور ایران و ترکیه می گذرد، گوشه ای از فاجعه ایست که مردم کُرد در سراسر منطقه با آن روبرو هستند. تاریخ خلق کُرد، تاریخ مبارزه خونین در راه آزادی و تعیین سرنوشت خویش است. مردم کُرد در کشورهایی نظیر عراق و ایران و ترکیه و سوریه که رژیم های خودکامه ارتجاعی بر آنها فرمانروایی می کنند، همیشه زیر فشار طاقت فرسا بوده و تاکنون قربانیان زیادی برای نجات از اسارت و بردگی داده اند.

فاجعه عراق - بمباران و گلوله باران هوایی و زمینی شهرها و روستاهای گردنشین از جانب نیروهای مسلح عراق، کشتار وحشیانه جمعی کودکان و زنان ساخورده، فرار اجباری صدها هزار نفر از برادران کُرد عراقی به ایران و ترکیه، بسته شدن مرزهای ترکیه و ایران به روی فراریان - در تاریخ معاصر عراق بیسابقه بوده است. درست است که جمهوری اسلامی ایران چند صد هزار تن از کُردهای عراقی را به درون کشور راه داده است، اما گرسنگی و بیماری حیات آنها را هم تهدید می کند. وانگهی نباید لحظه ای فراموش کرد که هم رژیم ایران و هم رژیم ترکیه همانند رژیم عراق در زمره دشمنان شماره یک کُردهای ساکن کشورهای خود هستند.

در حالی که در همه کشورهای گردنشین منطقه، کُردها از ابتدایی ترین حقوق انسانی محرومند، جهان غرب برای دفاع از منافع خویش، خاموش است و یگانه تصمیمی که پس از فاجعه عراق اتخاذ کرده، ارسال مقادیری آذوقه و دارو برای بیش از دو میلیون انسان آواره و سرگردان در کوه های مرزی دو کشور ایران و ترکیه است.

ادامه در ص ۳

نامه مردم

از کارکن مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۴۷، دوره هشتم،
سال هفتم، ۲۷ فروردین ۱۳۷۰

بازهم درباره بازگشت مهاجران سیاسی به کشور

نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد در یک شوی مصاحبه مطبوعاتی شاید برای دهمین بار از ایرانیان "مقیم خارج" خواست تا به ایران بازگردند. منظور وی کدام ایرانیان مقیم خارج است؟ علت اینکه بیش از دو میلیون ایرانی به کشورهای گوناگون جهان پناه برده اند چیست؟ علل و عوامل متعددی، بیش از دو میلیون ایرانی را به اقامت در خارج از کشور مجبور کرده است. اما، یک علت درباره همه صادق است. عدم آزادی و دموکراسی، حکمروایی شیوه های دیکتاتوری مذهبی قرون وسطایی در جامعه، تحمیل اراده گروهی زیر پوشش آیه های قرآن بر انسان هایی که همان قرآن "اشرف مخلوقات" می نامد. زندگی در جامعه ای که در آن حقوق بشر به طرز خشنی نقض می شود و انسان ها فقط به اتهام دگراندیشی به زندان ها و سپس به میدان های اعدام روانه می گردند، غیرقابل تحمل است. وقتی از زبان دست اندرکاران رژیم می شنوید که شکل حکومت از دید "اسلام قهاقی" نه از پائین به بالا، بلکه از بالا به پائین است و حکام "جامعه اسلام قهاقی" از "سوی خدا" (نه مردم) انتخاب، تکرار می کنیم انتخاب می شوند و انسان ها در جمهوری اسلامی "قدرت واقعی خود را" از "ولی ققیه" (بخوان از آقای خامنه ای)

ادامه در ص ۲

هاشمی رفسنجانی نمی داند که ...

۱۲ سال است که مردم خواهان بهبود شرایط زندگی هستند ولی با گذشت زمان فقر و فلاکت شدت می یابد. اظهارات رفسنجانی دایر بر تبدیل "جامعه اسلامی" به "جامعه نمونه" در جهان، مردم را به یاد وعده رسیدن به "دروازه تمدن بزرگ" می اندازد

معارف دانشگاهی" داشت. این استادان مامورند با تدریس "احکام و معارف اسلام قهاقی" تا آنجا که می توانند منزه دانشجویان را شستشو دهند.

رفسنجانی از ماموران "ولی ققیه" خواست تا محیط دانشگاه ها را برای "بحث درباره اسلام به عنوان محور زندگی مردم" آماده کنند تا بدینسان "عقب ماندگی های فرهنگی، اقتصادی، تسلیحاتی و تکنولوژی" جبران شود. هاشمی رفسنجانی به این هم راضی نیست و می خواهد تا به کمک "احکام و معارف اسلامی" و تبدیل "اسلام قهاقی" به "محور زندگی"، جامعه اسلامی را به صورت یک جامعه نمونه به جهان ارائه دهد و می گوید: "در این مهم روحانیت که هم اکنون مسئولیت اصلی اداره جامعه را برعهده دارد نقش مهمی برعهده

ادامه در ص ۲

چند روز پیش، هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور رژیم که ریاست "شورای عالی انقلاب فرهنگی" را هم یدک می کشد، دیداری با "استادان

در دیگر صفحات:

جنگ پایان یافت، جنگ

ادامه دارد ص ۴

تأمین صلح و امنیت منطقه

از چه راهی؟ ص ۵

در لهستان چه می گذرد؟

ص ۸

"نظم نوین" در منطقه یعنی آزادی، دموکراسی، صلح، تأمین امنیت خلقها و عدالت اجتماعی!

باز هم درباره ...

می گیرند و موظف اند از "ولی قتیبه" حمایت کرده و بدینسان امکان اعمال ولایت و اجرای احکام و حدود الهی (نه مصوبات ارگان های انتخابی) را برای "رهبر" فراهم سازند، به مابیت ضد خلقی و ضد انسانی رژیم حاکم بیشتر بی می برید.

آیا به این عوامل منفی از لحاظ شکل و ضد دموکراتیک از نظر ماهیت پایان داده شده و یا حداقل تغییری در آنها به عمل آمده است؟

سیاستی که برپینیا د بررسی واقعی وضع کشور استوار نباشد و خواست های واقعی نیروهای سیاسی نمایندگان طبقات و لایه های اجتماعی را مورد توجه قرار ندهد، فاقد حال و آینده است. این گونه سیاست بی مضمون و محتوا شاید بتواند برای زدویند و سازش موقتی، مثلا، میان تهران و واشنگتن به خاطر جلب حمایت بوش (البته با چشم پوشی بوش از حقایق) از رفسنجانی در کوتاه مدت، موثر افتد. اما قادر نخواهد بود پایه های لرزان رژیم مبتنی بر اصل عمیقاً ارتجاعی "ولی قتیبه" را تحکیم بخشد. مگر واشنگتن از حامیان بسیار نزدیک رژیم سابق نبود؟ کسانی که درس تاریخ را به دست فراموشی می سپارند، دیر یا زود با شکست روبرو خواهند شد. تاریخ نابینایان سیاسی را نمی بخشد.

در چنین شرایطی شنیدن خیر دعوت دایر بر "اجازه" بازگشت به "ایرانیان مقیم خارج" نشانگر عدم واقع بینی سیاسی گردانندگان رژیم است. واقعا هم، وقتی آنها، بدون ذره ای شرم، مهاجران سیاسی را، "ایرانیان مقیم خارج" می نامند و می خواهند خود را به عنوان حاکم معصوم و طرفدار آزادی، برای جلب عطوفت واشنگتن و لندن و بن و پاریس معرفی کنند، انسان از شعبده بازی ودغل بازی این آقایان حیرت می کند. وقت آن فرارسیده تا گروه خامنه ای - رفسنجانی درک کنند که نمی توان واقعیات

مرسوم و موجود در جهان متدین را با ترفند و شعبده بازی نادیده گرفت. هر دولتی مجبور است دیر یا زود این واقعیات را بپذیرد. "مهاجرسیاسی" معنا و مفهوم ویژه دارد و قرارداد ژنو دقیقاً حدود و ثغور آن را تعیین کرده است. برای بازگشت مهاجران سیاسی به وطن باید عوامل زاینده خروج آنها از کشور برطرف گردد.

تاریخ جهان و از جمله تاریخ کشور خود ما به وضوح نشان می دهد، خصلت رژیم با وعده و وعید تفسیر نمی یابد. دست های دعوت کنندگان مهاجران سیاسی به بازگشت، تا منفرق به خون بهترین فرزندان ایران آغشته است. چه تضمینی وجود دارد که کشتار دگراندیشان از نو آغاز نشود؟

آری، امروز که رژیم به "کمک" غرب نیاز دارد، می کوشد تا عیای خود را به رنگ دموکراسی بیاراید. اما، مهاجران سیاسی خواهان استقرار آزادی و دموکراسی واقعی هستند، یعنی استقرار حکومتی منبث از اراده مردم و این نیز مستلزم مراعات بند - بند آزادی های دموکراتیک مورد پذیرش جهانیان و اصول منشور حقوق بشر است. باید ساختار "نظام ولایت قتیبه" از ریشه دگرگون گردد. فقط در این صورت می توان سدی در برابر خودکامگی و دیکتاتوری بنا کرد.

ما، نیاز میرم به دموکراسی و پلورالیسم سیاسی داریم. نمی توان این حقیقت را برای مدت طولانی نادیده گرفت. چرخ تاریخ در حال حرکت است. هیچ نیرویی نخواهد توانست از پیشروی آن ممانعت به عمل آورد. این دیپلکاتیک زندگی است.

بازگشت مهاجران سیاسی در پیوند تنگاتنگ با بازسازی بنیادین ساختار حکومتی است. همه چیز را باید از نو شروع کرد و بر خاکستر دیکتاتوری بنای نوین دموکراسی را بنیان گذاشت. هیچ آینده راه گشایی، بدون مراعات اکید دموکراسی ممکن نیست. آیا این پدیده سیاسی، منطقی است؟

بیباید اندکی پیرامون آن بیاندیشیم. کستر

عقل سلیمی می تواند منکر آن گردد که دموکراتیزه کردن جامعه شرط لازم و ضرور پیشرفت اجتماعی به قصد پیوستن به قافله تمدن است. دموکراسی برای استفاده از امکانات مادی و معنوی کشور مانند هوا برای تنفس لازم است. اما، دموکراسی از آسمان نازل نمی کند و نیاز میرم به مبارزه حاد و بیگیر دارد. این حقیقت ساده را باید یک بار برای همیشه درک کرده، میان دیکتاتوری قرون وسطایی موجود و دموکراسی به معنای حاکمیت مردم (از پائین نه از بالا) یک مرحله گذار باید وجود داشته باشد. ما معتقد به ایجاد یک حکومت ائتلاف ملی با شرکت همه نیروهای سیاسی مترقی و آزادخواه اپوزیسیون در این مرحله گذار هستیم که نمی تواند در عین حال زمینه بازگشت مهاجران سیاسی را فراهم آورد. از این دیدگاه عملکرد سیاسی و واقع بینی در سیاست اهمیت بسزایی کسب می کند. سیاست در آخرین تحلیل عبارت است از اداره اقتصاد اجتماعی، تولید و قابلیت توزیع ارزش های مادی، یعنی چنان طرز اداره امور مملکتی و یا مملکت داری که در آن ثروت در یک قطب محدود و قتر در قطب وسیع متمرکز نگردد و عدالت اجتماعی نسبی در جامعه برقرار گردد. چنین شیوه اداره کشور خود هنری است که فقط از عهده اتحاد سازمان های سیاسی نمایندگان نیروهای محرکه اصلی جامعه برمی آید. همه نهادهای منعکس کننده مناسبات سیاسی جامعه باید این حقیقت را فریاد کنند.

شعبده بازی سیاسی را باید کنار گذارد. از تکرار دعوت بازگشت مهاجران سیاسی به قصد آرایش چهره کرپه دیکتاتوری مذهبی باید دست برداشت. افکار عمومی جهان را با اینگونه ترفندهای پیش پا افتاده نمی توان فریب داد. رویدادهای منطقه پس از جنگ، تغییر کیفی در جهت دموکراتیزه کردن جوامع دیکتاتور زده منطقه را در دستور روز قرار داده است. دعوت نوبتی نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد هم با این موضوع ارتباط دارد. اما، با این گونه شعبده بازی ها کاری از پیش نمی رود.

دارد."

هاشمی و رفسنجانی ...

۱۲ سال است که مردم خواهان بهبود شرایط زندگی هستند ولی با گذشت زمان قتر و فلاکت شدت می یابد. اظهارات رفسنجانی دایر بر تبدیل "جامعه اسلامی" به "جامعه نمونه" در جهان، مردم را به یاد وعده رسیدن به "دروازه تمدن بزرگ" می اندازد. آنها حق دارند به پرسند، مگر در ۱۲ سال گذشته روحانیت مسئولیت اصلی را برعهده نداشت و ایران ویران کنونی محصول "تقش مهم" آقایان روحانیون حاکم نیست؟

از گفته های بدی رئیس "شورای عالی انقلاب فرهنگی" خطاب به "استادان معارف دانشگاهی" روشن شد که "سازندگان جامعه اسلامی" را نه در میان روحانیون حاکم، بلکه در خارج از ایران در میان بهترین دانشمندان

"ولایت قتیبه"، جلای وطن کرده و در معروف ترین دانشگاه ها و آزمایشگاه های جهان مشغول تدریس و پژوهش هستند؟ چرا به عقاید این دانشمندان احترام نگذاشتند؟ به چه علت دهها نفر از دانشمندان آزاداندیش را در یک شب به دست جوخه های اعدام سپردند؟ آقای رفسنجانی در آن ایام چه می کرد؟

تا زمانی که محور زندگی مردم، "اسلام قهاستی" است، دانشگاه ها نمی توانند به مرکز "ساخت قوه محرکه" آینده کشور برای پایان دادن به عقب ماندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیک، تغییر شکل دهند. استبداد و خودکامگی عامل عمده عقب ماندگی است. و این یک قانونمندی عام و تجربه شده است.

خارجی باید جستجو کرد. به نوشته "کیهان"، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی" خواستار دعوت "بهترین استادان و محققان جهان" برای تدریس در دانشگاه ها شد. رفسنجانی برای توجیه این پیشنهاد به روال همیشگی به آیه های قرآن متوسل شد و گفت، "دانشمندان از دیدگاه قرآن و اسلام با ارزش است و باید محترم شناخته شود".

رفسنجانی نمی داند که صدها هزار نفر از بهترین دانشمندان و کارشناسان و پژوهشگران ایرانی، به علت عدم آزادی اندیشه و بیان و قلم در شرایط حکمروایی رژیم عمیقاً ضد دموکراتیک

اعلامیه کمیته ...

جرج بوش، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، در جریان جنگ علیه عراق از مردم آن کشور خواست تا علیه دیکتاتور قیام کنند و آن را سرنگون سازند. اما، وقتی عصیان خلق آغاز شد و کوی و برزن، شهر و روستا به خون مبارزان راه آزادی آغشته گشت، آقای بوش با لبخند پیروزی بر لب، هنگام بازی گلف در فلوریدا خطاب به روزنامه نگاران گفت که آمریکا نمی تواند در امور داخلی عراق دخالت کند. و این در حالی است که هنوز بخشی از نیروهای نظامی آمریکا اراضی عراق را تحت اشغال دارند.

واشنگتن و یمن و پاریس و لندن با این گونه اظهارنظرها، درواقع به رژیم عراق برای ادامه کشتار در شمال و جنوب آن کشور چراغ سبز نشان داده و می دهند. درک سیاست ایالات متحده و متحدانش پس از پایان جنگ در عراق زیاد هم بغرنج نبود. قاعدتا آپوزیسیون ضد رژیم عراق می بایست در محاسبات خود خصلت امپریالیسم را درنظر می گرفتند. واشنگتن و لندن از سوی خواستار استقرار مناسب "دوستانه" با دولت رفسنجانی برای اجرای نقشه های شیطانی خود هستند و از سوی دیگر به هیچ وجه حاضر به استقرار حکومتی اسلامی مشابه آنچه در ایران است، در عراق نبوده و نیستند. گذشته از این ترکیه به عنوان یکی از کشورهایی که ۵۱ درصد کردها ساکن آند و از متحدان بسیار نزدیک ایالات متحده و عضو پیمان تجاوزکار ناتو است، به هیچ وجه حاضر به شناختن حق خودمختاری برای کردها نبوده و همیشه به خواست آنها با زندان و جوخه های اعدام پاسخ گفته است. واشنگتن به

خوبی از سیاست گردکشی متحد نزدیک خویش آگاه است. سوریه متحد جدید ایالات متحده در جنگ علیه عراق، سالهاست که سیاست مشابهی را در مورد کردهای ساکن کشور خویش به موقع اجرا گذارد. طبیعی است که در چنین شرایطی خلق کرد عراق می بایست قربانی سیاست "دفاع از منافع آمریکا" در جهان می شد.

سالیان درازی است که معضل کرد را آگاهانه زیر پرده استار نگاه داشته اند. این معضل وجود دارد، عمل می کند و باید راه حل آن نیز دیر یا زود پیدا شود. حزب توده ایران نظر خود را در این باره بی پرده اعلام کرده است و در آن راه مبارزه می کند.

تردید نیست که نیروهای سیاسی کرد در هر کشوری باید با تشکیل جبهه واحد و با تکیه بر نیروی خود برای فرار از قربانی شدن در راه سیاست امپریالیسم در منطقه راه برون رفت را

پیدا کنند. به نظر ما، مبارزه خلق کرد در هریک از این کشورها جدا از مبارزه نیروهای مترقی و آزادیخواه در طرد رژیم های استبدادی نبوده و نیست.

کمیته مرکزی حزب توده ایران کشتار جمعی و وحشیانه خواهران و برادران کرد عراقی و مجبور ساختن میلیونها انسان به فرار از زاد و بوم خویش را قویا محکوم می کند. رژیم صدام حسین و دولت آمریکا مقصر اصلی این فاجعه بزرگ هستند.

ما، از همه آزادیخواهان و در درجه اول از کلیه اعضا و مواداران و دوستان حزب می خواهیم تا با ارسال نامه و جمع آوری امضا علیه جنایت مشترک صدام - بوش اعتراض کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۴ فروردین ماه ۱۳۷۰



گرسنگی، فراریان کرد عراقی را در مرزهای ایران و ترکیه تهدید می کند

جنگ منطقه و اتحاد شوروی

قرارگرفتن برراس نیروهای نظامی ۲۹ کشور، گرچه شورای امنیت چنین تصمیمی نکرده بود، باردیگر مزه رهبری را چشید، "رسالتی" که گویا تاریخ به آن بازبس می دهد. در جریان جنگ، سرنوشت منطقه را نه سازمان ملل متحد، بل آمریکا و رئیس جمهور آن تعیین می کرد. امروز در بحبوحه "جشن پیروزی" در آمریکا، اندک نیستند کسانی که خواهان دیکنه کردن شرایط خود در منطقه و حتی در سراسر جهان اند و آن را ضروری می دانند.

نویسنده در این چارچوب به مسئله مناسبات واشنگتن و مسکو می پردازد. او، می نویسد: برژنفسکی در "واشنگتن هست" چنین پیشنهاد می کند: "ایالات متحده آمریکا باید سیاست دوگانه را تعقیب کند. از سویی ما باید مناسبات دیپلماتیک رسمی و عادی خود را با دولت شوروی در مسکو حفظ کنیم. از سوی دیگر، باید همکاری را که

توماس کالسنچنگو، مفسر سیاسی روزنامه "هراودا" در تفسیری زیر عنوان "باد تحولات به کدام سو می وزد؟" از جمله دربار "سیندرم ویتنام" می نویسد: "همه اینها تا اندازه ای بغرنج است. پس از جنگ ویتنام، آمریکا در جای تاریخی خود قرار گرفت. در آن ایام کاملا روشن شد که در جهان دیگر، یک ابرقدرت وجود ندارد تا به میل خود سرنوشت خلقها را تعیین کند. روشن شد که خود آمریکا (و این بسیار مهم است) با وجود برتری نظامی بی حد و حصر از لحاظ امنیت آسیب پذیر است. افسانه مورد علاقه آمریکایی ها درباره "ما، شماره اول هستیم و شما شماره دوم" برای سال های متمادی به دست فراموشی سپرده شد.

در داخل کشور به وجهه پنتاگون و سلاح های آمریکایی ضربه سختی وارد آمد. ب. بارتون، کارشناس مشهور سیاسی می نویسد: "ویتنام نوعی نسل بوجود آورد که ایالات متحده آمریکا را یک دولت در حال رکود و دارای نیروهای مسلح ناموثر می دانست. اما امروز ما می توانیم افراط کنیم و خود را پلیس جهانی آماده جنگ در همه جا بدانیم. واقعا هم سواست بزرگی است. هم از نظر سیاسی و هم نظامی. ایالات متحده آمریکا با

می توانیم برای گسترش چارچوب مناسبات خود با آن جمهوری ها که از ایدئولوژی کمونیستی دست برمی دارند و در جستجوی استقلال واقعی هستند، انجام دهیم. برژنفسکی سپس هدف این گونه مناسبات با جمهوری ها را تعیین می کند: "هدف مناسبات ما با آنها باید تقویت اعتماد آنها، تشدید احساس هویت رسمی توسط آنها و اعتلای گام به گام موقیبت بین المللی آنها باشد. پرسش این است که این کار را چگونه باید انجام داد". واقعا هم این خود سوال جالبی است. آنچه برژنفسکی برزبان جاری ساخته، اگر به زبان عادی ترجمه شود، می توان آن را کاملا به مثابه فراخوان دخالت در امور داخلی اتحاد شوروی به منظور فروپاشاندن آن ارزیابی کرد. اما، پرسش ابدی دیگری نیز مطرح می شود: این به سود کیست؟ به سود هیچ کس و از آنجمله ایالات متحده آمریکا. لزومی به توضیح نیست که فروپاشی دولت کیبری دارای سلاح قدرتمند هسته ای، جنگ داخلی و هرج و مرج در آن، چنان عدم ثبات در جهان بوجود خواهد آورد که پیشگویی بی آمدهای آن غیرممکن است."

جنگ پایان یافت، جنگ ادامه دارد

این واقعیت عریان را نمی توان انکار کرد. اعلان آتش بس در عراق نه به معنای پایان جنگ، بلکه آغاز آن در شکل دیگر و برای مدت طولانی است. بازهم پب ها خانه ها را با خاک یکسان می سازد، گلوله های توپ و تفنگ و تانک هزاران کودک و زن و مرد را به قربانیان جنگ می افزایند.

"نامه مردم" در تفسیرهای خود پیرامون رویدادهای خلیج فارس صریحا نوشت که جنگ آمریکا و متحدانش در منطقه خلیج فارس بزودی با شکست ارتش عراق پایان می یابد، اما، این به هیچ وجه به معنای استقرار ثبات و امنیت و صلح در منطقه نخواهد بود. هر مفسر آشنا با معضلات عظیم و بفرنج خاور نزدیک و میانه به آسانی می توانست به این نتیجه برسد. از معضل فلسطین گرفته تا مسئله سیادت این و یا آن دولت بر خلیج فارس و مالا منطقه دارای اهمیت ژئوپولیتیک، مسئله بسیار مهم مناسبات متزلزل میان ایران و دولت های عرب و رقابت آنها در منطقه خلیج فارس، تفرقه و در مواردی دشمنی خونین میان کشورهای عربی، مخالفت "مسلمانان" در مجموع خود با اسرائیل، معضل کردهای ساکن ایران و ترکیه و سوریه و عراق، هر یک جداگانه پب ساعت شماری است که هر آن می تواند منفجر گردد.

اگر عراق، کویت را اشغال کرده بود و نیروهای نظامی ۵۰۰ هزار نفری آمریکا، مجهز به مدرن ترین سلاح های لیزری و الکترونیک برای مقابله با ارتش اشغالگر وارد منطقه شدند، اینک خود آمریکا به بزرگترین اشغالگر تبدیل شده و سه کشور عربستان سعودی و کویت و عراق و نیز آب های خلیج فارس را تحت اشغال در آورده و به این زودیها نیز در فکر خروج نیست. واشنگتن درصدد استقرار ستاد فرماندهی مرکزی و بخشی از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی خود هم در منطقه وهم در اروپای غربی است.

ژنرال شوارتسکف، فرمانده ارتش متحدین در منطقه خلیج فارس به هنگام بمباران وحشیانه شهرهای عراق و کویت، به مردم جهان "مژده" می داد که مواضع استراتژیک و مراکز تجمع گارد ویژه ریاست جمهوری عراق را نابود کرده، تانک ها و هواپیماها و هلیکوپترهای عراقی را از بین برده است. اینک، پس از "پایان" جنگ مردم

منطقه و جهان ناظر خونریزی و کشتار در عراق با کمک همان گارد و همان تسلیحاتی است که ژنرال آمریکایی "مژده" نابودی آنها را داده بود. اخبار رسیده بیانگر فرار بیش از دومیلیون گرد عراقی به ایران و ترکیه است. اکثر شهرهای گردنشین خالی از سکنه شده اند. آقای بوش که چندی پیش مردم عراق را به عیسان علیه صدام حسین فرامی خواند، چند روز پیش در پاسخ به

عراق، ابایی ندارند.

آنچه در این میان جلب توجه می کند، دورویی سران رژیم جمهوری اسلامی در سیاست است. تا قبل از آغاز جنگ و نیز طی یک ماه نخست ادامه آن، گروه خامنه ای - رفسنجانی آشکارا از صدام حسین حمایت می کردند. قرارومدار سری نگهداری هواپیماهای مسافربری و نظامی عراق در فرودگاههای ایران، صدور کالا به عراق علیرغم محاصره اقتصادی اعلام شده از جانب شورای امنیت، ملاقات منظم سران دو رژیم در تهران و عراق و... نمود آشکار همکاری دو رژیم بود.

با شکست عراق، سیاست رژیم "ولایت فقیه" نیز ۱۸۰ درجه تغییر کرد. تحقق بخشیدن



ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که حاضر نیست از قیام کردها در شمال و شیعیان در جنوب با نیروی نظامی حمایت کند. به عقیده کاریکاتوریست مجله آلمانی "شپگل" موضع واشنگتن حتی در صدام حسین امید حمایت آمریکا از وی در مبارزه علیه قیام کنندگان را زنده می کند.

- شوارتسکف کمک کن!

به آرزوی خام "صدور انقلاب اسلامی" به دست شیخ حکیم به عراق، در دستور روز قرار گرفت. اظهارات رفسنجانی، بلافاصله پس از آتش بس در عراق، خطاب به صدام حسین دایر بر واگذاری حاکمیت به کمیته ملی متشکل از اهوزیسیون (بخوان شیخ حکیم) و تکرار کلمه به کلمه آن از جانب خود حکیم و نیز سخنان مشکینی در خطبه نماز جمعه قم مبنی بر "قیام اسلامی" در عراق و تکیه وی روی "تشکیل حکومت اسلامی"، دلایل بارز دیگری بر دخالت سران رژیم در امور داخلی عراق است. به این گفته خامنه ای دقت کنید: "زشت باد، چهره حاکمی که برای هوای نفس و جاه طلبی هایش اراده و خواست ملت خود را در نظر نگیرد. چنین حکام شیطان سفتی که در منطقه ما کم نیستند. لیاقت حکومت بزرگ ملت را ندارند. حضور و وجود چنین افرادی در میان هرملت موجب نکبت است."

سؤال خبرنگاران دایر به ادامه جنگ علیه مردم عراق، با تبسم گفت، آمریکا در امور داخلی عراق دخالت نمی کند.

دخالت در امور داخلی عراق، از جمله از جانب رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز ادامه دارد. ما به موقع خود در این باره هشدار داده ایم. چنانکه انتظار می رفت زمامداران جمهوری اسلامی همچنان می خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند. در این زمینه از به اصطلاح "مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق" که ساخته و پرداخته وزارت اطلاعات است و شیخ حکیم نامی برراس آن قرار دارد، استفاده می شود. به نظرمفسران سیاسی برخی از گردانندگان رژیم در جمهوری اسلامی ایران از تجربه لبنان استفاده کرده و گروهی از پاسداران را "برای برسرکار آوردن" حکیم روانه عراق کرده اند. گذشته از این، سران رژیم ایران، از کمک به پاره ای دیگر از نیروهای اهوزیسیون برای اجرای نقشه خود، یعنی استقرار "حکومت اسلامی" در

تامین صلح و امنیت در منطقه از چه راهی؟

کشورهای رشدیافته صنعتی از استقرار نظم نوین و تامین به اصطلاح صلح و امنیت، در منطقه خلیج فارس بسیار سخن می گویند و خیلی مایلند چنین نظمی را خود برای ما تدوین کنند. چه باید کرد. وقتی رژیم های خودگامه جدا از مردم بر سراسر منطقه فنی از لحاظ منابع انرژی و پراهمیت از نظر ژئوپولیتیک و استراتژیک حکمروایی می کنند

می - ۶۰ و شکاری های جت اف - ۱۶ است. اسرائیل روی خرید سیستم هدایت و نشانه گیری برای هواپیماهای اف - ۱۵، امارات متحده عربی - تانک های می - ۶ و موشک های پتروت، بحرین و ترکیه هم روی موشک های پتروت حساب می کنند. البته نباید در این میان سران رژیم جمهوری اسلامی را هم که عاشق تسلیحات مدرن آمریکایی هستند از قلم انداخت.

بزرگترین مشتری همانند همیشه عربستان سعودی است که می خواهد هواپیماهای اف - ۱۵، تانک های می - ۶، هلیکوپترهای آهچی، موشک های پتروت، هواپیماهای مجهز به سیستم آواکس و زره پوش های برولی به مبلغ ۱۵ میلیارد دلار خریداری کند. این کشور در گذشته هم از خریداران بزرگ تسلیحات نظامی بود. در فاصله سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹ عربستان سعودی ۴۴/۲ میلیارد دلار صرف خرید تجهیزات نظامی کرده بود.

افزون بر آنچه گفته شد، امارات متحده عربی ۵ میلیارد دلار و مصر ۲ میلیارد دلار صرف خرید تجهیزات جدید خواهند کرد. آیا با این وجود، باز هم می توان مدعی استقرار صلح و امنیت در منطقه خلیج فارس و خاور میانه و نزدیک شد؟

سرگرم توطئه هستند، نیازی به آن نمی بینند. شیخ نشین های خلیج فارس برای کنارنگهداشتن ایران از تامین امنیت در خلیج فارس، امید زیادی به سوریه دارند. می گویند سوریه که رابطه نزدیک با تهران دارد، می تواند حکام جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار دهد. مسافرت حبیبی، معاون اول حسنعلی نبوی در دمشق را که به دعوت حافظ اسد صورت گرفت نیز باید در این محدوده بررسی کرد. بدون شک، نقش واشنگتن در طرح ریزی کنفرانس دمشق را نباید از نظر دور داشت. واشنگتن مایل است تا تهران، تحت رهبری وی در نقشه های مربوط به استقرار نظم و یا نظام نوین در منطقه شرکت جوید. از اظهارات محسن رضایی، فرمانده کل سپاه در گردهمایی تیب ۸۶ چنین برمی آید که سران رژیم به رفتن زهر چتر شیطان بزرگ زیاد هم بی میل نیستند. وی گفت: آمریکا با کسب پیروزی بر عراق در صدد برقراری پیمان های منطقه ای در جنبه های سیاسی، امنیتی و نظامی است که ایران در این چارچوب ها نقشی نداشته باشد. مفهوم سیاسی این گفته چیزی جز اظهار علاقه ایران به شرکت در چارچوب های تعیین شده از جانب آمریکا نبوده و نیست.

ما، دخالت رژیم در جنگ داخلی در عراق را محکوم می کنیم و باردیگر از همه نیروهای آزادیخواه و صلح جو می خواهیم تا با توجه به مصالح عالی مین در صف واحدی علیه توطئه های حکام جمهوری اسلامی مبارزه کنند.

بازار فروش تسلیحات مطالعه می کند، می نویسد، آنانی که اکنون از تحدید صدور تجهیزات به خاور نزدیک سخن می گویند در عالم تخیل زندگی می کنند. البته گفتگو در این باره شرم آور است. اما این حقیقتی است که همه می خواهند چیزی به خاور نزدیک بفرشند.

براس این همه ایالات متحده آمریکا قرار دارد. کنت ریچاردسون، رئیس کمیته هیوز اکرافت سازنده سیستم نشانه گیری شبانه و موشک ماوریک می گوید: در این جنگ سلاح های آمریکایی خیلی بهتر از سلاح های فرانسوی و شوروی به نمایش گذارده شدند و طبیعی است دارای دورنمای فروش بهتری هم هستند. او می نویسد، مثلاً، کمیته مارتین مارتیا معتقد به افزایش دو برابر فروش سلاح است و نصف آن باید به خاور نزدیک صادر شود. این کمیته قطعات متصله ضد موشک پتروت، جهاز ویژه نشانه گیری برای بباران های شبانه و نیز هلیکوپترهای آهچی می سازد.

روزنامه های خارجی حتی فهرست کشورهای خریدار تجهیزات نظامی آمریکا و نیز نوع آنها را از هم اکنون منتشر می سازند. دولت کویت به دولت آمریکا اطلاع داده، در صدد خرید تسلیحات نظامی بیشتر از آنچه به هنگام حمله عراق داشته، هست. مصر، خواهان خرید موشک هوک، تانک های

کشورهای رشدیافته صنعتی از استقرار نظم نوین و تامین به اصطلاح صلح و امنیت، در منطقه خلیج فارس بسیار سخن می گویند و خیلی مایلند چنین نظمی را خود برای ما تدوین کنند. چه باید کرد. وقتی رژیم های خودگامه جدا از مردم بر سراسر منطقه فنی از لحاظ منابع انرژی و پراهمیت از نظر ژئوپولیتیک و استراتژیک حکمروایی می کنند و برای حفظ کرسی های فرمانروایی نیاز به ارتش آمریکا و متحدانش دارند، لابد قیم ما هستند که باید برای حفظ منافع خویش دست اندرکار شوند.

ما، دانسته و فهمیده می گوئیم به اصطلاح صلح و امنیت. زیرا هدف واشنگتن و لندن و پاریس و... نمی تواند، برخلاف تبلیغات، پایان دادن به صدور تسلیحات به منطقه باشد. درست برعکس هدف از جنگ در منطقه، آزمایش سلاح های مدرن آمریکایی بود. اسکوگروفت، مشاور امنیتی بوش در مصاحبه ای می پرده گفت که ارتش آمریکا در میدان تیرزنده سلاح های خود را آزمایش کرد. به گفته وی، جنگ کنونی مناسب برای استفاده از قدرتی بود که ما برای جنگ دیگر، جنگ در اروپا بوجود آورده بودیم. جنگ به ما امکان داد تا تکنیک و دکترین نظامی جنگ از هوا و در خشکی و دریا را از محک آزمایش بگذرانیم. با جمع آوری اسناد و مدارک لازم آزمایش، اینک پنتاگون، به نوشته مجله فورین پولیس، سرگرم مدرنیزه کردن سلاح های عادی است تا بتوانند، مثلاً، یک تنگ تانک را با یک ضربه نابود کنند. این برای آینده است. آزمایش و مدرنیزه کردن تسلیحات آمریکایی چه هدلی را تعقیب می کند؟ به نوشته همین مجله امروز همه متحدان جنگ عراق از جمله کشورهای عربی خواهان خرید این سلاح ها هستند. روزنامه وال استریت جرنال رواج بازار سلاح های آمریکایی آزمایش شده در تاتر جنگ منطقه خلیج فارس را مزده می دهد. گریگری کتر، کارمند مرکز پژوهشی فورکاست اترنشنال که پیرامون

ما هم با این نظر موافقیم. آری، همه رژیم های حاکم در منطقه واز جمله رژیم به ارث رسیده از خمینی لیاقت حکومت بر خلقها را ندارند. ما، تردیدی نداریم که دیر یا زود مردم هر کشوری تکلیف این گونه افراد موجب نکبت را تعیین خواهند کرد.

سیاست عمیقاً ضد خلقی صدور انقلاب اسلامی از رژیم پس از مدتها سکوت باردیگر می خواهد از محک آزمایش بگذراند، بیانگر عدم لیاقت حکام جمهوری اسلامی برای مملکت داری است. زیرا هر سیاسی خارج از مکان و یا امکانات موجود، محکوم به شکست است. آغاز اعتراض مسلحانه در عراق چنان رنسانجانی را سردرگم کرد که با کهل، سدر اعظم آلمان، تماس تلفنی گرفت و نگرانی خود را از رویدادهای عراق با وی در میان گذارد تا شاید بدین وسیله حمایت بین را برای اجرای نقشه شیطان خود جلب کرده باشد. آیا، رئیس جمهوری که درک نکند امکان جلب کهل به سیاست صدور انقلاب اسلامی صفر است، لیاقت حکومت بر یک ملت را دارد؟ سران رژیم با دخالت در امور داخلی عراق، مصالح ایران را زیرضربه برده اند.

چندی پیش وزرای خارجه شیخ نشین های خلیج فارس، عربستان سعودی، مصر و سوریه، در دمشق گردهم آمدند. در بیانیه منتشره - بیانیه دمشق - موضوع بسیار مهم ایجاد نیروهای نظامی عربی برای حفظ صلح در خلیج فارس در چارچوب نظام نوین

امنیت منطقه مطرح می شود. هسته اصلی این نیروها را نظامیان مصری و سوری متمرکز در عربستان سعودی و کویت تشکیل خواهند داد و هزینه آنها را کشورهای نفت خیز عربی تامین خواهند کرد.

در بیانیه دمشق گفته می شود که مضمون آن علیه هیچ کشوری نیست و فقط مقدمه ای است برای سازمان دادن گفتگو با دولت های مسلمان و غیرمسلمان که به منافع توده های عرب و اصول موازین بین المللی احترام بگذرانند.

به عقیده مفسران سیاسی این اشاره، در وهله نخست، متوجه جمهوری اسلامی ایران و نقش آن است. از نظر دولت های پیشگفته عربی این نقش چگونه باید باشد؟ صباح احمد، وزیر امور خارجه کویت، بلافاصله پس از پایان کنفرانس دمشق در توضیح این مطلب گفت: مناسبات خوبی ما را با ایران پیوند می دهد و امیدوارم که ایران بی طرفی خود را حفظ خواهد کرد و در امور داخلی اعراب دخالت نخواهد کرد. در عین حال برخی از شرکت کنندگان در کنفرانس، نگرانی خود از شرکت ایزرئیلیون شیمه در جنگ داخلی در عراق را، پنهان نداشتند و این عمل را به مثابه وارد آوردن فشار از جانب تهران به سیر رویدادها در کشورهای همسایه عربی تلقی کردند.

آیا امنیت خلیج فارس فقط مربوط به امور داخلی اعراب است و هیچ پیوندی با ایران ندارد؟ سران رژیم جمهوری اسلامی سیاست مدون و مشخصی در این مورد ندارند و از آنجا که سخت

اخبار مربوط به جنگ خلیج فارس



رقای گرامی هیئت تحریریه "نامه مردم"۱

اخیرا مقاله ای با عنوان "آهن از آسیب پتک و کوره گردد تیغ تیز" در نامه مردم به چاپ رسیده بود. لازم می دانیم خاطرنشان سازیم که این مقاله مورد پسند و تایید اکثر رقای گروه ما قرار گرفت.

اعضای این گروه نیز خواستار آنند که ارزیابی تاریخ حزب و پی جویی اشتباهات آن با بررسی دقیق و مستند همراه باشد. برزبان آوردن اتهامات و شایعات بی اساس و غیرمستند و بی پشتوانه، جز دشمن شادکردن نتیجه دیگری ندارد. اعضای گروه نیز معتقدند که در فعالیت گذشته حزب اشتباهات معینی وجود داشته است و بدین جهت، از هر انتقاد سالم و مستدل و مستندی استقبال می کنند و خواهند کرد. بدیهی است که این گروه نیز از تدارک و برگزاری کنگره سوم حزب و نوسازی انقلابی آن پشتیبانی می کند. ولی نواندیشی و دمکراسی و مبارزه درون حزبی، به هیچ وجه، به معنای شایعه پراکنی و برجسب زنی نیست. بویژه کاربرد چنین شیوه های مطرودی در مورد اعضا و رهبران شهید حزب، قابل تحمل نیست. چگونه می توان، ققط با یک چرخش قلم، مبارزینی که جانشان را در راه آرمان های مردم فدا کرده اند، به بیگانه پرستی و خیانت به مردم میهن متهم کرد؟

حزبی که طی پنجاه سال مبارزه پرفرازونشیب خود همواره در معرض انواع فشارها و توطئه ها قرار داشته، نمی تواند بدون خطاها و اشتباهات کوچک و بزرگ نباشد. فرازونشیب و افتخارات و اشتباهات حزب، همه و همه جزو تاریخ حزب هستند. منتقدین درون حزبی، بویژه آنان که در رهبری حزب شرکت داشته اند، نمی توانند با انداختن بار اشتباهات بردوش رهبران شهید، افتخارات حزب را برسینه هایشان نصب کنند و خود را قهرمانان نواندیشی و نوسازی انقلابی حزب بنامند. نمی توان توده ای بود و خود را از تاریخ حزب جدا کرد. باید بار افتخارات و اشتباهات حزب را یکجا به دوش کشید.

ضمن استقبال از عنوان مناسبی که نگارنده مقاله "آهن از آسیب پتک و کوره گردد تیغ تیز" برای مطلب خود انتخاب کرده است، باید اضافه کنیم:

"باهمین کشتی، همین دریا، همین طوفان رفتنی هست اگر، باید رفت."

پیروزباشید،

از میهن دربندمان - گروه اتحاد

۶۹/۱۱/۱۰

آمریکا را به سبب وضعیت بوجود آمده مقصر می دانستند.

در پی مسافرت عزت ابراهیم مرد شماره دو عراق به تهران، و مذاکراتی که وی با مسئولین ایرانی داشته است یک سری توافقات صورت گرفت. که شامل اسکان دادن دو میلیون عراقی در ایران و استقرار تجهیزات و وسایل نظامی و غیرنظامی در ایران بود. در مورد اسکان دو میلیون نفر، تاکنون بیش از هشتاد هزار نفر در این طرف مرز ایران استقرار یافته و در چادرهایی که خود دولت عراق در اختیار ایران قرار داده سکونت کرده اند. عمل استقرار آنها در آبادان، خرمشهر و کردستان است.

در مورد وسایل و تجهیزات نظامی و غیرنظامی، مانند هواپیماهای جنگی، موشک های بزرگی که احتمالا باید اسکان و ... باشند در پایگاه هوایی شیراز به خوبی دیده شده اند. و مقامات نظامی به شدت سعی در مخفی نگه داشتن این وسایل از دید اکثریت پرسنل این پایگاه دارند. همچنین پرسنل نظامی عراقی در این پایگاه دیده شده اند.

وسایل غیرنظامی همانند هواپیماهای غیرنظامی و مسافری که ۲۶ فروند آنها در پایگاههای آمیدیه، نوژه، دزفول و فرودگاه مهرآباد نگهداری می شوند. در ملاقات "عزت ابراهیم" با مقامات ایرانی، وی از جانب رهبری عراق، در ارتباط با موضع ایران ("بی طرفی") که شورای عالی امنیت رژیم رسماً اعلام نمود، تشکر کرد.

ایران جزایر تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی را در اختیار صلیب سرخ جهانی قرار داده است. جالب توجه این است که این جزایر در اختیار بخش آمریکایی صلیب سرخ قرار داده شده اند.

آبادان و خرمشهر از ساکنان غیرنظامی تخلیه شده اند و تنها پرسنل نظامی و ادارات دولتی در آن شهرها زندگی می کنند.

بین پرسنل نظامی و سربازان اعزامی به جنوب، ماسک ضد گاز توزیع شده است.

از بخشنامه محرمانه به رسانه های گروهی در رابطه با عراق:

- در رسانه ها هیچ گونه توهینی به صدام نشود، حرکتی انجام نگیرد که موجب تحریک عراق شود.

- بر مسئله اسرا کمتر پرداخته شده و بیشتر به مسئله پیروزی در جنگ مطرح گردد. آنهم نه از زبان مسئولین، بلکه از طرف مردم.

- از وضعیت اسرا در زمان اسارتشان در عراق چیزی گفته نشود.

در هفته اول و یا دوم شهریورماه، در جلسه محرمانه ای که با شرکت رفسنجانی و نمایندگان مجلس برگزار شد. رفسنجانی، ضمن صحبت پیرامون اعزام ناوگان آمریکا، صراحتاً از حضور آنها در منطقه استقبال و ابراز خوشحالی کرد.

مردم حمایت مسئولان رژیم از تجار بازار، در مورد فروش مواد غذایی به عراق را مورد انتقاد قرار داده و محکوم می کنند. در همین خصوص، پناهر اظهارات یکی از کارمندان گمرک، حدود یک هفته قبل از شروع جنگ، ۵۰۰ هزار تن شکر، خریداری شده از یوگسلاوی و بلژیک با احتساب سود سرشار به عراق منتقل گردیده است.

در بین مردم شایع است در بعضی از افراد بلندپایه عراق و استادان دانشگاهها و... و خانواده صدام، بعد از شروع جنگ، با توافق حکام رژیم به ایران آمده و در هتل آزادی تهران مستقر شده اند.

شایع است که هواپیماهای جنگی و مسافرتی عراق در آشیانه های پایگاههای دزفول، باختران و همدان مستقر شده اند.

گفته می شود، چند ساعت قبل از شروع جنگ، دهها فروند، هواپیماهای مسافری عراقی در فرودگاه مهرآباد تهران فرود آمده و به تدریج در فرودگاههای نظامی ایران پخش شده اند، تا بدینوسیله از خطرات حملات هوایی در امان باشند.

مسئله کمک های اقتصادی رژیم ایران به عراق و سودهای کلانی که تجار عمده بازار از فروش و قاچاق مواد غذایی به جیب می زنند، بین مردم مطرح است. مردم یکی از علل افزایش قیمت مواد غذایی و مایحتاج عمومی، در ماههای اخیر را جمع آوری آنها توسط تجار و انتقال آنها به عراق می دانند.

یکی از کارکنان بهداری باختران گفته است، در حال آماده باش هستیم. قرار است مجروحین جنگی خلیج را به ایران منتقل کنند.

قصرشیرین پناهگاه متواریان از عراق شده است، و عده زیادی به این شهر وارد شده اند.

گفته می شود که بعد از پایان سفر معاون صدام از ایران رفسنجانی و صدام دیداری در مرز دو کشور داشته اند. صدام در این دیدار از ایران کمک های نظامی و اقتصادی کرده، اما طرف ایران کمک های نظامی را رد کرده ولی در مورد کمک های اقتصادی جواب منفی نداده است.

کویت در ایران نیروی نظامی دارد، که تحت عنوان بسیج، در قم آموزش نظامی می بینند. هفته آخر آذرماه نیز حجت الاسلام مهری، رهبر شیعیان این کشور برایشان سخنرانی کرد.

شاهدان عینی راهپیمایی مجمع روحانیون مبارز از جلوی دانشگاه تهران توصیف کرده اند، حدود دو هزار نفر جلوی دانشگاه جمع شده بودند و در صف جلوی آنها هادی خامنه ای نیز دیده شده بود.

بسیاری از حزب اللهی ها نیز احساس همدردی با مردم عراق می کردند و صحبتی از جنایات عراق در جنگ با ایران در میان نبود و

در لهستان ...

کاپچینسکی، رئیس دفتر ریاست جمهوری است. او را دست راست والسا می نامند. می گویند کاپچینسکی، نقش صدراعظم دربار شاهان لهستان را ایفا می کند با این اختلاف که در آن ایام صدراعظم را شاه و اشراف انتخاب می کردند، اما هم اکنون شخص والسا برمی گمارد.

در مبارزه درونی بیش از همه خود سازمان "همبستکی" ضرر کرد و به چند گروه تقسیم شد و بدینسان وحدت پارلمانی را به هم زد. در اولین کنفره توافق "نیروهای مرکز" از جناح راست همبستکی، حزب جدیدی متمایل به دمکرات مسیحی تشکیل شد و کاپچینسکی به عنوان صدر آن انتخاب گردید.

مفسران سیاسی برآنند که بین والسا و کاپچینسکی تقسیم کار شده است. کاپچینسکی همه کارهای "سیاه" را به عهده گرفته و والسا می خواهد خود را رئیس جمهور همه لهستانی ها معرفی کند. یکی از طنزنویسان لهستانی می گوید: "اگر والسا واقعا هم رئیس جمهور همه لهستانی ها باشد، باید برراس راهپیمایی مردم به سوی کاخ ریاست جمهوری قرار گیرد".

در کنفره توافق "نیروهای مرکز"، کاپچینسکی طی سخنرانی مفصلی اعلام کرد که هدف حزب جدید عبارت است از: ایجاد سیستم ریاست جمهوری - پارلمانی. قبل از کنفره، "همبستکی" فقط درباره سیستم دمکراسی پارلمانی سخن می گفت. حال که والسا برکرسی ریاست جمهوری نشسته، دمکراسی کنار زده می شود.

در حال حاضر مسئله انتخابات جدید پارلمانی در دستور روز مبارزه قرار دارد. والسا و همراهنش می خواهند پارلمان را همانند سنا در دست گیرند. به همین سبب کنفره توافق "نیروهای مرکز"، تکیه را روی

کمونیسم ستیزی - بیرون راندن کمونیست ها از ادارات دولتی - و ... گذارد. این تصمیم کنفره مورد انتقاد همه نیروهای دمکراتیک قرار گرفت. آدام میخنیچ یکی از رهبران سابق "همبستکی" و سردبیر روزنامه مستقل "ویبورچی" در سخنرانی مبسوط و تند در پارلمان از جمله گفت: "در آرزوی ایجاد سیستم سیاسی خود، ما باید قبل از هرچیز این اصل بسیار ساده را در نظر بگیریم، آنچه را به خود روا نمی داری به دیگران روا مدار".

وقتی در پارلمان موضوع تعیین تاریخ انتخابات مورد بحث قرار گرفت، والسا و هوادارانش خواستار تسریع در انتخابات شدند و ماه مه را برای این کار پیشنهاد کردند. آدام میخنیچ در این باره گفت که این عجله، این هیستری تسریع برای چیست؟ اگر انتخابات، مثلا نه در ماه مه، در ماه سپتامبر انجام گیرد آیا اتفاق بدی روی خواهد داد و جهان زیر رو خواهد شد؟ به گفته وی منطق گروهی که پیروز شده چنین است: "قبل از انتخابات همه چیز به همه وعده بده و بعد هیچ مسئولیتی برای اجرایش به عهده نکیر". میخنیچ سپس به سخنانش چنین ادامه می دهد: "خطر سقوط وجهه ما را تهدید می کند. این می تواند به هرج و مرج منجر گردد که به نوبه خود می تواند نقطه به دیکتاتوری بیانجامد".

اکثر اعضای پارلمان پیشنهاد والسا دایر بر آغاز انتخابات در ماه مه را رد کردند و گفتند که کشور آماده انتخابات در این ماه نیست. پارلمان با اکثریت آرا تصمیم گرفت انتخابات را در پائیز انجام دهد. پارلمان همچنین طرح ارائه شده از جانب رئیس جمهور دایر بر اصلاح قانون اساسی را رد کرد.

می گویند وضع بوجود آمده در جامعه به سود والسا و نیروهای راست نیست. آیا رئیس جمهور به پیشنهاد مشاورانش دایر به النای پارلمان اقدام خواهد کرد؟

چه کسانی در ...

در چک و اسلواکی به شدت مخالفت کرد و این عمل را خطرناک دانست. اما، وقتی رئیس جمهور از ساختمان خارج می شد با شعار: "ما خواهان ارتش نیرومند و مستقل اسلواکی هستیم" روبرو گردید.

۱۸ مارس در براتیسلاو مرکز اسلواکی در میدان "قیام اسلواکی" میتیگی به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد تشکیل حکومت مستقل اسلواکی (سال ۱۳۳۹) تحت قیومیت هیتلر، تشکیل شد. که مبتکر آن سازمان فرهنگی - ترویجی "ماتیتسا اسلونسکا" بود. شرکت کنندگان در میتینگ شمارهایی از قبیل "ما نمی خواهیم با پراگ باشیم"، "ما نمی خواهیم با هاول باشیم" و دیگر شمارهای توهمین آمیز درباره رئیس جمهور حمل می کردند و از پارلمان اسلواکی می خواستند تا فوراً استان را جمهوری مستقل اعلام کند.

سیررویدادها پراگ را سخت نگران کرده است. دست اندرکاران می ترسند جمهوری دوشقه شود. دولت چک بیانیه ویژه ای در پاسخ به خواست استقلال اسلواکی منتشر کرد. در بیانیه گفته می شود استقلال به معنای تقسیم اقتصاد چکسلواکی، رواج دو نوع پول، تقسیم منابع انرژی، ترانسپورت، تلفن و تلگراف، ارتش، منابع و ذخایر ارزی و طلا، ایجاد سیستم گمرکی خودی و غیره به ضرر مردم است. نتیجه پایانی چنین عملی جز هرج و مرج نخواهد بود. به مراحل نظرات گوناگونی درباره استقلال ارائه

می شود. هاول، خواهان همه پرسی در چکسلواکی است. کراوچا، صدر کلوب پارلمانی دمکرات های راست می گوید: "پایه گذاری حکومت، وابسته به اراده نه فقط نسل کنونی، بلکه همچنین وابسته به نسل گذشته و آینده هم هست. به همین سبب ما، حتی مصوبه همه پرسی را به اندازه کافی قانونی نمی دانیم". کلاوس، وزیر دارایی برآن است که فدراسیون ایجاد شده برپایه ملی اصولا بی ثبات است و راه حل حکومت فدراتیو براساس اصل "اراضی" را مقبول می داند و از اینجا هم نتیجه می گیرد: "اگر ما نتوانیم درباره ساختار حکومتی با ثبات تضمین کننده اجرای اصلاحات موفقیت آمیز اقتصادی و سیاسی به توافق برسیم، بهتر است از هم جدا شویم".

وایس، صدر حزب دمکرات های چپ (کمونیست های سابق) در پاسخ می گوید: "ما خواهان حکومت مشترک هستیم، اما نه برپایه اصل "اراضی".

چنین است وضع در چکسلواکی پس از انقلاب مخملی. نهفت هایی که در اوج تظاهرات بوجود آمده بودند و زمانی شعار می دادند که حزب نیستند و همه مردم می توانند در صفوف شان متشکل گردند و از این راه نیز انتخابات را بردند، اینک با تشکیل حزب دارای خصلت محافظه کارانه، به چند گروه تقسیم شده اند. ناسیونالیسم، چکسلواکی را از درون مانند خوره می خورد. روشن است که هر اختلافی زاینده خطر و انفجار است. در چکسلواکی چه روی خواهد داد؟ پیش بینی دراین باره ناصحیح است. نظرخواهی های ماه اخیر نشانگر آن است که اکثریت مردم خواهان حکومت واحد هستند.

واشننگتن "تشکر" می کند

بانک بین المللی ترمیم و توسعه، پس از ۱۲ سال مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار به جمهوری اسلامی ایران وام با بهره سنگین، به مدت ۱۵ سال داد. خبرگزاری آسوشیتهدپرس خبر می دهد، این تصمیم بانک که پس از سال ۱۹۷۸ برای اولین بار اتخاذ شده با اجازه رسمی ایالات متحده آمریکا به عنوان سهامدار عمده بانک بوده است.

گویا دولت رفسنجانی وعده داده تا این وام را صرف آبادانی مناطق زلزله زده شمال کند. مقامات بانک بین المللی برآنند که در نتیجه زلزله ۲۵ هزار انسان کشته و ۵۰۰ هزار خانه ویران شده است. کل خسارات وارده به ۵ میلیارد دلار بالغ می شود.

در خبر آسوشیتهدپرس گفته می شود، واشنگتن همچنین تصمیم خود، دایر به منع شدن واردات نفت از ایران را هم ملغی کرد و بدینسان دولت آمریکا از رفسنجانی در قبال موضعش دایر بر حمایت از سیاست واشنگتن در قبال عراق تشکر می کند.

در لهستان چه می گذرد؟

سروصدای انتخابات ریاست جمهوری در لهستان فرونشست. گروه بندی "گدانسک" در درون "همبستگی" به رهبری والسا پیروز شد. "محتوای" کاخ ریاست جمهوری در ورشو کاملاً تغییر کرد. کادرهای سابق با سرعت جای خود را به افرادی دادند که والسا با خود از گدانسک به ورشو آورده بود.

تحلیل گران سیاست لهستان و زندگی اجتماعی برآند که باوجود گذشت زمان نسبتاً زیادی از انتخاب رئیس جمهور جدید، هیچ یک ازمواد برنامه والسا به مورد اجرا گذارده نشده است. یگانه ماده تحقق یافته اخراج کادرها و برگماري افراد خودی است. چیزی شبیه "بازی آپارات" در جریان است. برای بهبود زندگی زحمتکشان کوچکترین گامی

برداشته نمی شود. سطح زندگی زحمتکشان لهستان با سرعت تنزل می کند. در حالی که قیمت ها سیر صعودی دارند. درآمد، به ویژه در بخش دولتی ثابت است. دولت مالیات زیادی برافزافه درآمد تعیین کرده است. این اقدام حتی مانع رشد بازدهی کار است. جالب است که بخش خصوصی از پرداخت این مالیات آزاد شده است. حیرت آور نیست که اعتصاب کارگران و تظاهرات دهقانان ادامه دارد. چند روز پیش همکاران سابق رئیس جمهور در کارخانه کشتی سازی گدانسک دست به اعتصاب زدند.

مطبوعات ورشو می نویسند والسا سخت سرگرم مانور برای حفظ وجهه خویش است. تنها کسی که کار می کند یاروسلاو ادامہ در ص ۷

رشد سریع تعداد بیکاران در شرق آلمان

طبق آمار رسمی، بیکاری در غرب آلمان کاهش و در بخش شرقی آن با سرعت روبه افزایش است. در ماه مارس (در مقایسه با ماه فوریه) تعداد بیکاران در غرب آلمان ۱۳۷۹۰۵ نفر کاهش یافته و به ۱۷۲۰۹۵۹ نفر رسید. در شرق آلمان تعداد بیکاران تمام وقت ۸۰۸۲۸۹ نفر بود که ۲۳۲۹۷ نفر بیش از ماه قبل است. در غرب نرخ بیکاری از ۷ درصد به ۶/۵ درصد کاهش یافته، اما در شرق از ۸/۱ درصد به ۹/۲ درصد رسیده است.

تعداد بیکاران نیمه وقت در غرب آلمان از ۱۲۹۰۲۰ نفر به ۱۳۱۰۱۴ نفر کاهش یافت، درحالی که در شرق آلمان تعداد آنان که تقریباً بیکار هستند به ۲۰۰۱۵۶۷ نفر بالغ شد. طبق برآورد کارشناسان خطر آن وجود دارد که تا آفرسال تعداد بیکاران در شرق آلمان به ۲ تا ۴ میلیون تن بالغ گردد.

یک پیشنهاد غیر عملی

علیرغم پیروزی متفقین درخلیج فارس، در جهان اسلام و در غرب بسیاری از افرادی که مایل به دفاع از پادشاهان نفت نیستند. ثروتی که آنها در بانک ها انباشته اند خشم و نفرت توده های فقیر در کشورهای عربی را برانگیخته است.

"نیویورک تایمز" می نویسد: "حکام کشورهای که از آنها دفاع گردید و آزاد شدند باید کمک کنند تا اعراب از نظریه ایجاد نظام نوین اقتصادی - قریبا - حمایت کنند. تحویل بخش قابل توجهی از نفت این کشورها به ترانس ویزه ای برای خدمت به همه مسلمانان، گام بزرگی در جهت از بین بردن نفرت مسلمان به حکام صاحب ثروت است. این نقرت به موقع خود مسلمانان را به سوی صدام حسین جذب کرد."

ترکیه رضایت داد

دولت ترکیه موافقت کرد تا ارتش آمریکا سلاح های عادی مورد استفاده در جنگ علیه عراق را در آن کشور انبار کند. هیئت نمایندگی ویژه آمریکا مسئله نوع سلاح ها و شرایط انبار کردن آنها را با نظامیان ترک مورد مذاکره قرار خواهد داد. روزنامه "دنیس نیوز" خاطرنشان می سازد که هدف از انبارکردن سلاح های آمریکایی، به کارگیری مجدد آنها در صورت بروز "بحران در خاور نزدیک است."

چه کسانی در اسلواکی خواهان جدایی هستند؟

اسلواکی درنظر گرفته شوند. به عقیده وی در این جمهوری بی آمدهای اجتماعی اصلاحات سنگین تر خواهد بود. مثلاً، تعداد بیکاران در اسلواکی بیشتر از چک است.

در راس استقلال طلبان اسلواکی سازمان فرهنگی - ترویجی "ماتیسالوونسکا" و سازمان سیاسی جدید "وحدت ملی اسلواکی" قرار دارند.

۱۴ مارس هاول، رئیس جمهور چکسلواکی به اسلواکی سفر کرد. وی در شهر تچین در ملاقات با نمایندگان ارتش گفت که کشور و جامعه "لحظه دردآوری" را می گذرانند و خاطرنشان ساخت، "ارتش حق ندارد تحت هیچ شرایطی و به هیچ عنوان در سیر این روند دخالت کند". او، با ایجاد دو ارتش جداگانه

وضع در اسلواکی بحرانی است. پس از انشعاب در سازمان "جمعیت شهروندان چک"، نهضت دموکراتیک اسلواکی - "جامعه علیه زور" - نیز تقسیم شد. اگر در "جمعیت" راست ها و لیبرال ها در ظاهر با خوشی از هم جدا شدند و

حتی برای حفظ آبرو وحدت ظاهری را تا انتخابات آینده حفظ کردند، جدایی در اسلواکی خشن بود. مچیار، نخست وزیر اسلواکی فراکسیون "در راه اسلواکی دموکراتیک" را سازمان داد. عده ای از وزرا و خود دوپچک هم از او حمایت کردند. او دارای وجهه خوب در میان مردم است. مچیار خواهان توجه بیشتر به عوامل ملی است و می خواهد تا به هنگام اصلاحات اقتصادی ویژگیهای

خطراحيای رژیم غیردموکراتیک

هاول، رئیس جمهور چکسلواکی، به هنگام سخنرانی چندی پیش در ستاد ناتو در بروکسل از جمله درباره خطر ملی گرایی و جدایی طلبی در اروپای شرقی که دموکراسی غربی را تهدید می کند اخطار داد. روزنامه "تایمز" چاپ انگلستان می نویسد که سخنان وی نمی تواند نه بروکسل و نه واشنگتن را قانع کند که اروپای شرقی بخشی از غرب است. همان ملی گرایی که هاول به عنوان دلیل اقدام فوری ارائه کرد، اروپای غربی را از هر گامی در راه گسترش چارچوب بلوک ناتو و حتی تهدید انواع عوارض گمرکی و غیره برحذر می دارد. سرمایه گذاران غرب عادت نکرده اند در اینجا و آنجا ریسک کنند، وضع در چکسلواکی آبستن شعله و رشدن آتش جدایی طلبی و عدم ثبات است. در چنین شرایطی است که معمولاً رژیم های غیردموکراتیک بوجود می آیند.

ادامه در ص ۷

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 347
April 16 1991

نامه مردم

بها: ۲۰ ریال

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich